

موجودات هوشمند در عوالم دور دست هستی

علی بن ریان، از عبید الله بن عبد الله دهقان روایت کرده است که وی گفت: از حضرت امام رضا علیه السلام شنیدم که فرمود: خداوند در پشت این نطاق، زبرجدی سبز دارد که آسمان از آن سبز می‌شود. عرض کردم: نطاق چیست؟ فرمود: پرده است و خداوند در پشت آن هفتاد هزار جهان دارد که در آن‌ها «جمعیتی» بیشتر از تعداد انسان‌ها و جن‌ها که آن‌چه از نماز و زکات بر آفریدگان خدا واجب است هیچ بر آن‌ها واجب نشده بلکه همگی دو مرد از این امت را لعنت می‌گویند، و حضرت از آن دو نام برد

سید بن طاووس از امیر المؤمنین علیه السّلام نقل فرمود که به ستاره شناس پارسی عرض نمود: دیشب در هفتاد هزار عالم در هر یك‌شان هفتاد هزار نفر متولد شدند، و امشب مانند همین تعداد از هر یك این عوالم می‌میرند. جرجی زیدان گوید: بطور حدس شبانه روز نود هزار نفر انسان در دنیا می میرند



راهی طولانی در جستجوی ستاره‌های غریب

امام محمّد باقر: در پس این خورشید شما چهل چشمه خورشید وجود دارد که هر یک از دیگری چهل سال فاصله دارد؛ در آن‌ها آفریدگان بسیاری وجود دارند که نمی‌دانند آیا خداوند آدم را آفریده یا نیافریده است. و در پس این ماه شما چهل قرص ماه وجود دارد که هر یک از دیگری چهل سال فاصله دارد، در آن‌ها آفریدگان بسیاری وجود دارند که نمی‌دانند آیا خداوند عز و جل آدم را آفریده یا نیافریده است. همان‌گونه که به زنبور الهام شده است، به آنان نیز الهام شده، دو تن را در همه وقت لعنت گویند و بر آن‌ها فرشتگانی گمارده شده که اگر لعنت نکنند آنان را عذاب می‌دهند

امام حسن بن علی علیه السلام: همانا خداوند دو شهر دارد که یکی در مشرق و دیگری در مغرب است. بر آن دو شهر دیوارهایی آهنین کشیده شده و هر یک هزار هزار در و هر دری دو لنگه از طلا دارد و در هر شهر به هزار هزار زبان سخن گویند که هر یک از دیگری متفاوت است و من همه آن زبانها را می‌دانم و حجتی غیر از من و برادرم حسین بر این دو شهر و آن‌چه بین آن‌ها و روی آن‌هاست، نیست



اابان بن تغلب: خدمت حضرت امام جعفر صادق بودم. یکی از اهالی یمن بر ایشان وارد شد. حضرت به او فرمود: ای برادر یمنی، آیا شما عالمانی دارید؟ عرض کرد: بله. فرمود: عالمان شما از علم خود چه عرضه می‌دارند؟ عرض کرد: در یک شب راه دو ماه را طی می‌کنند و با پرندگان فال می‌گیرند و آثار تاریخی را دنبال می‌کنند. حضرت به او فرمود: عالم مدینه داناتر از عالم شماست. در ساعتی از روز راه یک سال خورشید را طی می‌کند آن چنان که هزار جهان مثل جهان شما را که کسی در آن‌ها نمی‌داند خداوند آدم و یا شیطان را آفریده، پشت سر می‌گذارد، خداوند هیچ چیز به جز ولایت ما و بیزاری از دشمنان ما را بر آن‌ها واجب نکرده است



سفر روح در زمان با معادله‌ای پیچیده از اسم اعظم

عبد الصمد بن علی روایت کرده است که وی گفت: مردی خدمت حضرت امام سجاد علیه السلام وارد شد. حضرت به او فرمود: تو کیستی؟ عرض کرد: من مردی ستاره شناس و آثارشناس و کاهن هستم. حضرت نگاهی به او کرد و فرمود: آیا می‌خواهی مردی را به تو نشان دهم که از وقتی تو نزد ما آمده‌ای چهارده جهان را که هر یک سه بار بزرگتر از این جهان است پشت سر گذاشته در حالی که هیچ از جایش تکان نخورده است؟ عرض کرد: او کیست؟ فرمود: من هستم و اگر می‌خواهی تا تو را از آن‌چه خورده‌ای و در خانه ات انباشته‌ای خبر دهم



از امام صادق (ع) روایت شده که غیر از این جهان که ما در آن زندگی می‌کنیم دنیاهایی وجود دارد که بس بزرگ‌تر است و در آن دنیا علومی است که شاید با علوم این جهان فرق دارد و تنها پروردگار از شمار آن دنیاها آگاه است و در دنیاهای دیگر دو نوع علم وجود دارد که نوعی از آن شبیه به علوم این جهان است و اگر کسی از این جهان به آن‌جا سفر کند می‌تواند آن علوم را یاد بگیرد اما در بعضی از دنیاهای دیگر علومی وجود دارد که اندیشه مردم این دنیا قادر به درک آن نیست به طوری که علم پیشرفته این‌جا (یعنی زمین) علم پسرفته آن دنیاها است



موجودات هوشمند در عوالم دور دست هستی

امام صادق: خدا را شهری است در مشرق به نام «جابلقا» که دوازده هزار درِ طلا دارد، میان هر دری تا در دیگر یک فرسخ است بر هر دری برجی است که دوازده هزار جنگجو دارد که دم اسب‌ها را گره زده و تیغ و سلاح را تیز کرده و در انتظار ظهور قائم ما هستند، و خدا شهری دارد در مغرب به نام «جابرسا» که دم اسب‌ها را گره زده و تیغ و سلاح را تیز کرده و در انتظار ظهور قائم ما هستند، و من حجت خدا بر آن‌ها هستم

خدا را دو شهر است، یکی در مغرب و دیگری در مشرق. به آن‌ها جابلقا و جابرسا می‌گویند. طول هر کدام دوازده هزار فرسخ است و در هر فرسخ دری است. در هر روز از هر در هفتاد هزار داخل می‌شوند و مانند آن خارج می‌شوند و تا روز قیامت باز نمی‌گردند. نمی‌دانند خداوند آدم را آفریده، و نه ابلیس و نه خورشید و نه ماه را، به خدا آنان در مقایسه با شما، از ما فرمانبرترند. برای ما در غیر فصل میوه می‌آورند. آنان به لعن بر فرعون و هامان و قارون گماشته شده‌اند



رسول خدا: شبی که مرا به آسمان بردند، در آسمان هفتم میدان‌هایی دیدم مانند میدان‌های شما در زمین، و دیدم فوج‌هایی از فرشته که در پروازند و در برابر هم توقفی ندارند. به جبرئیل گفتم: اینان که هستند؟ گفت: نمی‌دانم. گفتم: از کجا آمده‌اند؟ گفت: نمی‌دانم. گفتم: کجا می‌روند؟ گفت: نمی‌دانم. گفتم: از آن‌ها بپرس. گفت: نمی‌توانم، ولی‌ای حبیب خدا! تو از آن‌ها بپرس. فرمود: به یکی از آن‌ها برخوردم و گفتم: نامت چیست؟ گفت: کیکائیل. گفتم: از کجا آمدی؟ گفت: نمی‌دانم. گفتم: کجا می‌روی؟ گفت: نمی‌دانم. گفتم: چقدر راه طی کردی؟ گفت: نمی‌دانم، جز اینکه ای حبیب خدا! می‌دانم خدا در هر هزار سال یک ستاره می‌آفریند، و من در حرکت و مسیر خود شش هزارش را دیدم که خدا آفرید

از محمّد بن مسلم روایت شده است که او گفت: از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام در باره میراث دانش پرسیدم که «آن‌چه مقدار است»؟ آیا دربرگیرنده جوامعاست یا تفسیر همه‌ی اموری را که از آن‌ها سخن به میان آمده در بر دارد؟ حضرت فرمود: خداوند دو شهر دارد: یکی در مشرق و دیگری در مغرب. در آن دو شهر مردمی زندگی می‌کنند که نه شیطان را می‌شناسند و نه از آفرینش او خبر دارند. ما همیشه با آن‌ها دیدار می‌کنیم و آن‌ها هر چه نیاز دارند از ما می‌پرسند و از ما در باره دعا سوال می‌کنند و ما به آن‌ها می‌آموزیم. و در باره حضرت قائم ما علیه السلام و زمان ظهور ایشان می‌پرسند و بسیار در عبادت و تلاش هستند. شهرشان دو دروازه دارد که هر یک از دیگری هزار فرسخ فاصله دارد. آن‌ها پیوسته در حال بزرگ داشتن و ستودن خدا و در دعا و تلاش هستند. اگر آن‌ها را ببینید، عمل خود را ناچیز خواهید یافت

یوسف فاطمه



هر یک از آن‌ها به سجده می‌رود و یک ماه سر از بر نمی‌آورد. غذایشان تسبیح گفتن، جامه‌هایشان پارسایی و چهره هایشان نور افروز است. هر گاه یکی از ما را می‌بینند او را در میان می‌گیرند و به دورش حلقه می‌زنند و از جای پایش بر زمین تبرک می‌جویند. هر وقت به نماز بایستند غریوی همانند وزش باد توفنده دارند. در میان آن‌ها کسانی در انتظار قائم ما سلاح بر زمین نمی‌گذارند و به درگاه خداوند دعا می‌کنند که او را به ایشان بنمایاند و هر یک هزار سال عمر کنند. اگر آن‌ها را ببینید، فروتنی و خاکساری و درخواست آن‌چه به خداوند نزدیکشان می‌سازد را دیده‌اید. اگر نزدشان نرویم گمان می‌کنند از آن‌ها ناخشنودیم و اوقاتی که در کنارشان هستیم هم پیمان شده‌اند تا نزد ما باشند و خسته نمی‌شوند و از پا نمی‌نشینند و کتاب خداوند را چنان که ما به آنان آموخته‌ایم تلاوت می‌کنند. در آن‌چه به ایشان می‌آموزیم چیزهایی باشد که اگر بر مردم خوانده شود باور نمی‌کنند و به آن کفر می‌ورزند



برای نبرد همراه امام آماده‌اند و هر گاه امام برخیزد سلاح داران آن‌ها به نبرد می‌شتابند و از خداوند می‌خواهند ایشان را از جمله کسانی قرار دهد که به دست آن‌ها دینش را یاری می‌کنند. آنان پیران و جوانانی هستند که هر گاه جوانی از آن‌ها پیری را ببیند به خدمتش همچون بنده‌ای می‌نشیند و تا پیر فرمانش ندهد بر نمی‌خیزد. راه خواسته امام را نیک‌تر از هر آفریده‌ای می‌شناسند و هر گاه امام فرمان انجام کاری را به آن‌ها دهد، برای انجام آن کار تا ابد به پا می‌خیزند تا این‌که امام و فرمانده آن‌ها به کاری دگر دستور دهد. اگر آنان بر همه‌ی آفریدگان از مشرق گرفته تا مغرب وارد شوند، در ساعتی آن‌ها را نابود می‌کنند و هیچ شمشیری در برابرشان کارساز نمی‌افتد. آنان شمشیرهایی آهنین دارند ولی نه از جنس این آهن‌ها، اگر یک تن از آن‌ها شمشیر خود بر کوهی فرود آورد هر آینه آن را می‌شکافد و تکّه تکّه می‌کند. امام در ساعتی آنان را از هند و دیلم و روم و بربر و فارس و سرزمین‌های بین جابرس و جابلق که یکی در مشرق است و دیگری در مغرب، عبور می‌دهد و آنان بر اهل هیچ دینی وارد نمی‌شوند مگر این‌که آنان را به سوی خداوند و اسلام دعوت کنند و آن‌ها را به اقرار کردن به محمّد و یگانگی خدا و ولایت ما اهل بیت فرا خوانند. پس هر کس بپذیرد رهایش کنند اگر نه او را بکشند

حیات فرازمینی

تجربه نزدیک به مرگ؛ پرسش ۱: آیا در جاهای دیگر هم زندگی وجود دارد؟ بله

پرسش ۲: آیا سیارات بسیاری هستند که نسبت به ما روی زمین، شکل برتری از زندگی دارند؟ هزاران سیاره سطح تکامل بالاتری نسبت به شما در زمین دارند

پرسش ۳: آیا سیارات بسیاری با تکاملی پایین‌تر از زمین وجود دارند؟ بله، هزاران سیاره

پرسش ۴: می‌توانم ببینم یک سیاره‌ی تکامل یافته‌تر چه شکلی است ؟ بله

آن‌جا روی یک سیاره‌ی دیگر بودم! می‌توانستم بدنم را آن‌جا ببینم. در حضور مردم هستم و می‌توانم با آن‌ها صحبت کنم. آن‌ها از دیدن من تعجب کرده بودند. من در یک نوع شهر با زمینی مسطح بودم، ساختمان‌هایی بدون در و پنجره آن‌جا بودند، مثل جعبه‌هایی بزرگ. آن‌ها راه ویژه‌ای برای ورود به آن ساختمان‌ها داشتند اما دانستنش خیلی برای من اهمیت نداشت! ما با صدا اما از طریق ذهن (تله پاتیکی) رابطه برقرار کردیم، می‌توانستم تک تک کلمات را بفهمم (برای من به فرانسوی) و زمانیکه من صحبت می‌کردم می‌دانم که از یک زبان دیگر استفاده می‌کردم. همه‌ی این‌ها به طور خودکار انجام می‌شدند

پرسیدند که من در کدام منطقه‌ی زمین به دنیا آمده‌ام و
چه کاری را در زمین دوست داشتم. به آن‌ها گفتم در
غواصی با اسکوبا ...روستایی به نام کاپالان به دنیا آمده‌ام
را دوست دارم. می‌خواستند در ذهن من ببینند چه شکلی
است و همین‌طور نقشه‌ای از آن مناطق را! از من خواستند
اگر می‌خواهم. من قادر بودم ذهناً ...نشان‌شان دهم
نقشه را به آن‌ها نشان دهم
آن‌ها پرسیدند انرژی لازم برای حیات را از کجا تأمین
می‌کنم. در مورد گیاهانی که می‌خوریم به آن‌ها گفتم و
بعد پرسیدند : آیا چیزهای جاندار را هم می‌خورید؟ گفتم
بله
آن‌ها گفتند: می‌دانستیم تمدن‌هایی ابتدایی وجود دارند اما
نه به این بدی! آن‌ها واقعاً تعجب کرده بودند فردی که از
دنیایی این چنین بدی می‌آید چطور می‌تواند در سیاره‌شان
با آن‌ها ملاقات کند
از یکی از آن‌ها پرسیدم (به نوعی ارشد یا نماینده‌ی آن‌ها
بود) شما انرژی حیاتی‌تان را از کجا تأمین می‌کنید
گفتند : ما انرژی‌مان را از نیروی کیهانی دریافت می‌کنیم
مانند شما، اما مستقیماً دریافت می‌کنیم به جای آن‌که
هم‌چون شما وارد حوزه‌های طبیعی شویم

پرسیدم: آیا به جهان‌های دیگر سفر می‌کنید
همان نفر قبلی گفت: بله، و یک سفینه‌ی فضایی را نشانم داد تقریباً شبیه یک هواپیما بود ولی بال نداشت
پرسیدم: برای سفر به مسافت‌های دور، از چه انرژی‌ای استفاده می‌کنید
گفت: ما از یک مولد نیروی جاذبه استفاده می‌کنیم تا به سرعتی تقریباً نامحدود دست یابیم من در مورد مسائلمان روی زمین ناشی از نیروی جاذبه گفتم
او گفت: ژنراتور جاذبه‌ی ما بر تمامی سفینه‌ی فضایی اثر می‌کند منجمله افراد سرنشین. در نتیجه هیچ نیروی جاذبه‌ای برای مسافران وجود ندارد
ضمناً به یاد دارم که آن‌ها از ما کوتاه‌تر بوده و نسبت به ما آهسته‌تر راه می‌رفتند. همچنین هیچ مویی نداشتند. یونیفورم عجیبی داشتند به طوریکه تمامی اندام آن‌ها را قالب گرفته بود گویی بخشی از بدنشان بود. به سختی می‌شود گفت سر و ته ش کجا بود! به من گفتند شاید یک زمانی در آینده‌ی نزدیک از سیاره‌ی شما دیدن کنیم اما خیلی از اینجا فاصله دارد. از آن‌ها دور شدم و مدتی به تماشای ستارگان پرداختم اصلاً شبیه زمین نبود، اما آسمان زیبا بود با ستاره‌هایی بسیار زیاد

سپس تصمیم گرفتم به نور برگردم. پرسیدم : می‌توانم سیارات کمتر تکامل یافته را ببینم

یک سری انسان‌های بدوی غارنشین (پر از مو) در تعقیب حیواناتی عجیب (بزرگ اندام) بودند. من سعی کردم با آن‌ها ارتباط برقرار کنم اما فایده‌ای نداشت، آن‌ها نمی‌توانستند من را ببینند یا بشنوند! آن‌جا خیلی جالب نبود، به همین خاطر تصمیم گرفتم به نور برگردم

زمانی که برگشتم، آموختم که ما نمی‌توانستیم در جهان‌های نخستین مداخله‌ای کنیم و این علت اصلی آن است که فواصل زیادی بین سیارات وجود دارد تا حایلی باشد که مانع از دسترسی ما به جهان آن‌ها شود، چون این کار برای تکامل آن‌ها بسیار خطرناک خواهد بود، چرا که آن‌ها همچون ما، باید خودشان مسیر تکاملشان را طی کنند. در زندگی بعدی، ما انسان‌ها در سیاره‌ی دیگر و تکامل یافته‌تر انتقال خواهیم یافت، چون یک حد مینیمم و ماکزیمم تکامل بر روی سیاره‌ی زمین مجاز است، و پس از آن نقطه، فرد تکامل یافته‌تر و باهوش‌تر زمین، فردی کمتر تکامل یافته و بدوی در جهانی پیشرفته‌تر می‌شود

به سطوح بالاتر نور رفتم، شگفت انگیز و سرشار از عشق بود. آن‌جا مرحله‌ای بالاتر از دانش بود، مرحله‌ی خلق کردن. همه چیز ممکن می‌شود خلق چیزهای فیزیکی و سهیم شدن با خداوند در خلقت! می‌دانم، باورش مشکل است

نمی خواستم برگردم، با این حال آرزو کردم به زمین بازگردم تا این اطلاعات را با هر چند نفر که امکان دارد در میان بگذارم. چیزی که نمی‌دانستم این بود که در آن سطح از نور، هر آرزویی تبدیل به واقعیت می‌شد. به دنبال این درخواست، خودم را دیدم که به کف مخروط کشیده می‌شوم و به آرامی از آن خارج شدم. ناگهان متوجه شدم می‌توانم دوباره بدنم را ببینم. آن موقع بود که دوستم را دیدم. او داشت به طرف من و نور پشت سر من می‌آمد. سراپا سفیدپوش بود، راه نمی‌رفت بلکه شناور بود. نزدیک بود به هم برخورد کنیم و به طور غریزی دستهایمان را بلند کردیم. وقتی نزدیکتر شدیم، دستهای‌مان همدیگر را لمس کردند و من از دیدن جرقه‌های نور که چشمک می‌زدند حیرتزده شدم. همان طور اعضای بدنمان در هم می‌آمیختند، وقتی مغزهایمان به هم پیوند خوردند توانستیم کاملاً از افکار هم باخبر شویم بدون احتمال هیچ‌گونه خطایی علیرغم سرعتی که این جریان داشت

ارتباط تله پاتیکی بود و سعی کردم آزمایشی انجام دهم. می‌خواستم ببینم می‌توانم در آن وضعیت هم به گونه‌ی معمول صحبت کنم

شروع به صحبت کردم و متوجه شدم که دارم از بیان و لغات او استفاده می‌کنم، اما خیلی زمان می‌برد و دوباره به شیوه‌ی جدید مکالمه مان برگشتیم بسیار سریع‌تر و هم‌چنین همراه با احساسات! او داشت برایم توضیح می‌داد که در نور خواهد ماند و اینکه زمانش روی زمین به پایان رسیده بود

احساس عشق ضعیف‌تر و ضعیف‌تر می‌شد و می‌توانستم جنگ‌ها، حرص و طمع، خشم، تبعیض نژادی و غیره را حس کن به ماشین برگشتم پیش از آن‌که شعله‌ها به من برسند، نور فرصت کافی برای خروج از ماشین را به من داد

روند بهبودی من مثل معجزه بود با وجود آن‌که استخوان‌های شکسته‌ی زیادی داشتم، پزشک مراقب از پیشرفت بهبودی من گیج شده بود. من با چند استعداد فراطبیعی و موهبت‌هایی دیگر بازگشته‌ام

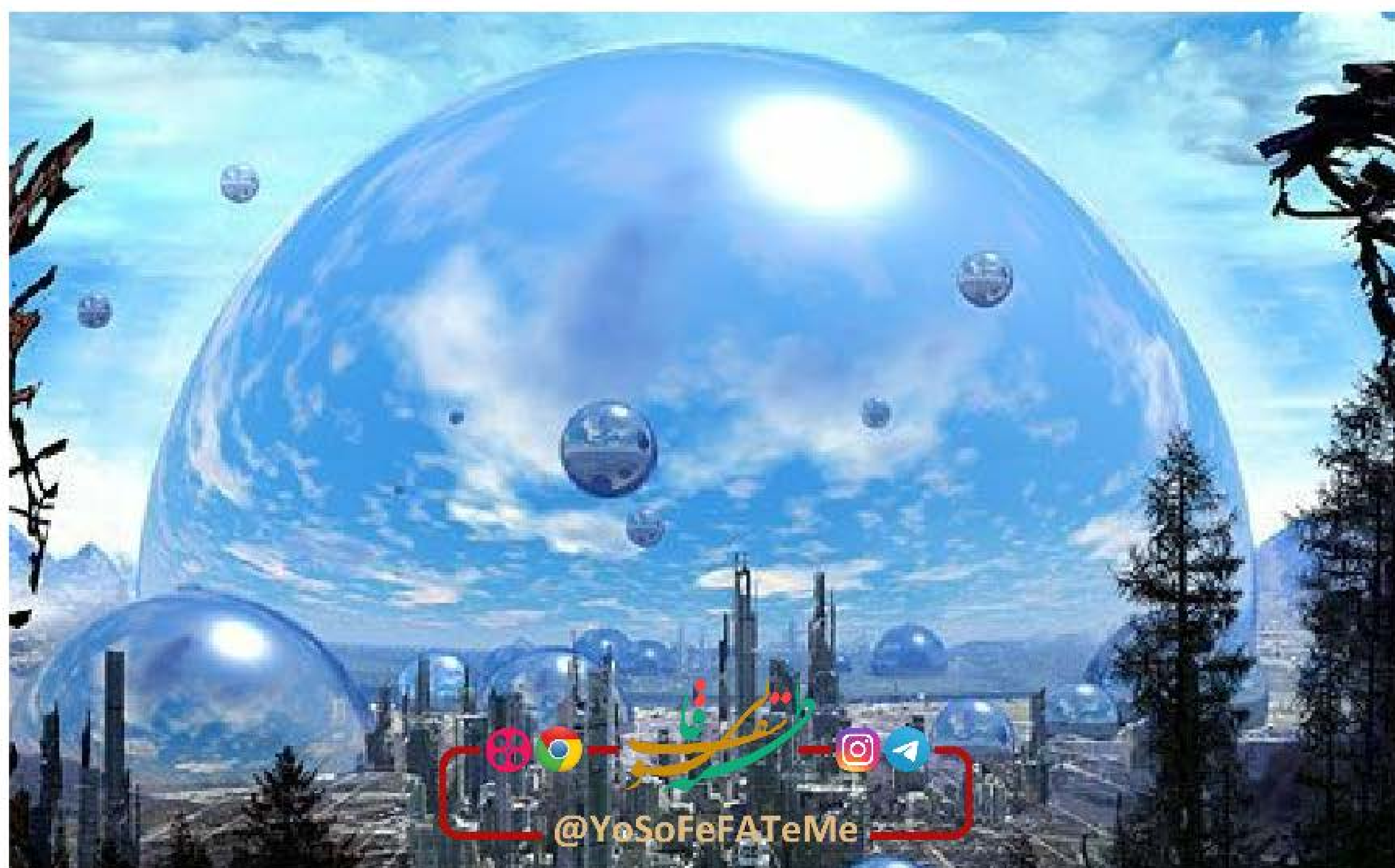
حدود ۵۰ سال پیش یک ستاره‌شناس جوان به نام «فرانک دریک» با متمرکز نمودن یک تلسکوپ رادیویی در نزدیکی ستاره‌ها، در پی یافتن علائمی از موجودات بیگانه بود. گرچه با گذشت نیم قرن از آن روزگار و جستجو در آسمان‌ها اطلاعات اندکی یافتند، اما دانشمندان معتقدند جهان پر از حیات و زندگی است، اما ما در محل‌ها و زمان‌ها و راه‌های اشتباهی به دنبال حیات بوده‌ایم. پرفسور پاول داویز فیزیکدان نظری، کیهان شناس و زیست-ستاره شناس انگلیسی در تلاش برای یافتن راه‌هایی جهت ارتباط با این موجودات بیگانه است گروه ناسا تلاش‌های زیادی برای یافتن حیات در کهکشان راه شیری نموده است. آلن بوس، ستاره شناسی از موسسه کارنگی و نویسنده کتاب جهان شلوغ می‌گوید که ممکن است ۱۰۰ میلیارد سیاره شبیه زمین و ستاره‌های زیادی شبیه خورشید در کهکشان راه شیری وجود داشته باشد تحقیقات جدید ناسا و دانشگاه کالیفرنیا هم‌چنین نشان می‌دهد که یکی از چهار ستاره شبیه خورشید ممکن است میزبان سیاراتی شبیه زمین باشد اخترفیزیکدانان می‌گویند که کوتوله‌های سفید می‌توانند مکان مناسبی برای عناصر خاکی باشند

با این‌که تا کنون بیش از صدها سیاره پیدا شده، اما هنوز علائمی از حیات بر روی آن‌ها یافت نشده است

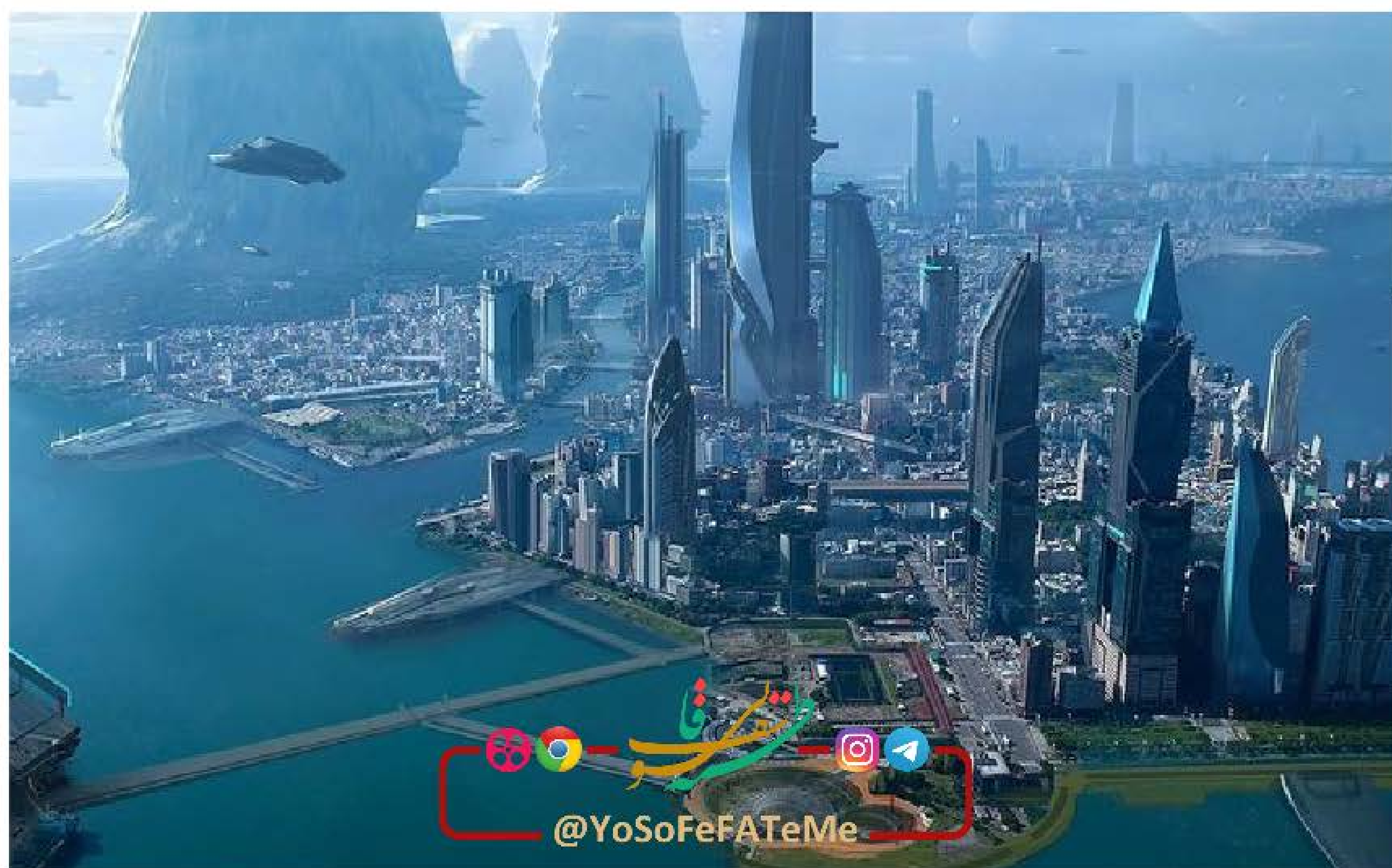


راهی طولانی در جستجوی ستاره‌ای غریب

آن‌چه درباره موجودات بیگانه می‌توان نتیجه گرفت آن‌ست که مدل ساختاری دیگر مخلوقات هوشمند سیارات و عوالم ذکر شده بسیار متفاوت‌تر از آن‌چه در فکر بر سر داریم هست. قوانینی که آن موجودات تابع حیات برای زندگانی هستند بسیار پیچیده و برای ما انسان‌ها مرموز و حالت غریبانه دارد. شما با نگاه کردن به مراتب آفرینش عوالم نور در آسمان متوجه می‌گردید که احساسی آشنا و حالتی نیمه هوشیارانه به آن مناطق دور دست کیهانی دارید یعنی آن‌که قبلا تمام وجودتان در آن‌جا حضور یافته است و شاهده بوده که سیر تکاملی ما وابسته به این است



ما قبل از آن‌که وارد کالبد دنیوی خود شویم روح الهی و پرتو خداوندی خویشتن متعلق به مناطق دور دست کیهانی و این گیتی بی‌انتها بوده است که در این حال ممکن است در عالی‌ترین و منحصر به فرد ترین جایگاه خلقت مستقر باشد یا نه در جهت معکوس آن مشغول به سیر تکاملی خود بوده است. چقد خوب است که معیار سنجش درجات خودمان را به دست خداوند تعالی و بزرگان کائنات و فرشتگان مقرب الهی دهیم یعنی آن‌که اصله پیروزی یک انسان و حقیقت اعمال او توسط یک موجود به مانند خود نیست نباید دل او از تعریف جامعه‌ای که جهل مرکب دارد خوش گردد بلکه تنها تعریف و بیان موجودات والامقام هستی و سرپرست مخلوقات هوشمند دیگر عوالم شرط اصلی موفقیت یک روح است



زیرا آنان در نهایت تکامل خلقت و علم الهی هستند و این‌جاست که عقل گواهی می‌دهد تنها وصف آنان اعتبار حقیقی برای موجودات دارد. آن‌چه در روایات ذکر شده می‌توان درست فهمید در سرزمین‌های دور دست خلقت انواع منابع طبیعی و مصالح با ارزش و شرایط کافی و فوق مناسب وجود دارد که تنها با عنایت تنها حجت باقی مانده بر روی زمین می‌توان بر آن دست یافت. در یک موردی این چنین یافتم که خبر از پیدا شدن شی عجیب در منطقه‌ای فوق‌سری می‌داد آن وسیله در حالی که بسیار سبک بود و راحت مورد دسترسی قرار می‌گرفت در عین حال مقاومت زیادی از خود نشان می‌داد یعنی آن‌که نه شکشسته می‌شد و نه پاره می‌گردید و نه آن‌که با آتش و وسایل سنگین نابود می‌شد



چنین مواردی مربوط به علم کامل و هوشمندانه سیارات سطوح بالاتر می‌باشد. در آسمان‌های بالاتر تجهیزات علمی و تکلونوژی پیدا می‌شود که خداوند اعلی برای رشد و پیشرفت هر چه بهتر مخلوقات خود در نظر گرفته است. آن وسایل به مانند تلفن، سغینه‌فضایی یا همین اشکال ساده زندگی لباس، خانه و... سطح بسیار بالاتر و حالته کامل را برای خود دارا هستند بگذارید راحت‌تر بگویم دیگر جایی برای پیشرفت ندارند و نخواهد داشت یعنی نیازی برای به‌روز رسانی ندارد و پروردگار جهان‌یان لایه‌ی آخر آفرینش را بر آن کشیده است. در زمان ظهور نیروی عظیم کائنات با توجه به پیشرفت علم و تقسیم هوشمندانه بشر شرایط گونه‌ای خواهد گردید که امکان سفرهای بین سیاره‌ای خواهیم داشت